

داستان فروشنده قلاب ماهیگیری

یک پسر برای پیدا کردن کار از خانه به راه افتاده و به یکی از این فروشگاههای بزرگ که همه چیز می فروشند در ایالت کالیفرنیا رفت.

مدیر فروشگاه به او گفت: «یک روز فرصت داری تا به طور آزمایشی کار کرده و در پایان روز با توجه به نتیجه کار در مورد استخدام تو تصمیم می گیریم.»

در پایان اولین روز کاری، مدیر به سراغ پسر رفت و از او پرسید که چند مشتری داشته است؟ پسر پاسخ داد: «یک مشتری.»

مدیر با تعجب گفت: «تنها یک مشتری؟ بی تجربهترین متقاضیان در اینجا حداقل 10 تا 20 فروش در روز دارند. حالا مبلغ فروشت چقدر بوده است؟»

پسر گفت: «134,999 دلار»

مدیر فریاد کشید: «50/134,999 دلار؟ مگه چی فروختی؟»

پسر گفت: «اول یک قلاب ماهیگیری کوچک فروختم، بعد یک قلاب ماهیگیری بزرگ، بعد یک چوب ماهیگیری گرافیت به همراه یک چرخ ماهیگیری 4 بلبرینگه. بعد پرسیدم کجا میرید ماهیگیری؟ گفت: خلیج پشته، من هم گفتم پس به قایق هم احتیاج دارید و یک قایق توربوی دو موتوره به او فروختم. بعد پرسیدم ماشینتان چیست و آیا می تواند این قایق را بکشد؟ که گفت هوندا سیویک، من هم یک بلیزر دبلویو دی 4 به او پیشنهاد دادم که او هم خرید.»

مدیر با تعجب پرسید: او آمده بود که یک قلاب ماهیگیری بخرد و تو به او قایق و بلیزر فروختی؟»

پسر به آرامی گفت: نه، او آمده بود یک بسته قرص سردرد بخرد که من گفتم بیا برای آخر هفته ات یک برنامه ماهیگیری ترتیب بدهیم، شاید سردردت بهتر شد!»

